

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۰۴
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۱۸

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره‌ی ششم، سال ۲۰-۲
شماره‌ی ۱، صص: ۷۵-۹۴

موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران: مورد کاوی مدارس غیر انتفاعی^۱

نعمت الله عزیزی*
پریوش جعفری**
ولی الله فرزاد***
محمد صنوبری****

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران (موردکاوی مدارس غیرانتفاعی) از دیدگاه مدیران و صاحب‌نظران حوزه‌ی اقتصاد آموزش انجام گرفت. نمونه‌ی آماری عبارت بود از ۲۸۴ نفر از مدیران مدارس غیر انتفاعی پسرانه‌ی شهر تهران و ۱۰ نفر از صاحب‌نظران اقتصاد آموزش دانشگاه‌های تهران که به ترتیب با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۶۲ گویه از عوامل مؤثر در عدم توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی در دو بخش عوامل طرف تقاضا و طرف عرضه بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این است که نگرش منفی و عدم اعتماد دولت به بخش خصوصی برای فراهم‌سازی آموزش، هدف تک‌بعدی از مشارکت، عدم انگیزه‌ی بخش خصوصی برای حضور در بازار آموزشی و عدم پیش‌نگری امکانات و اقدامات تسهیل‌کننده‌ی حضور بخش خصوصی از مهم‌ترین موانع گسترش مدارس غیر انتفاعی از دیدگاه مدیران و صاحب‌نظران بوده است.

۱- این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری در رشته‌ی مدیریت آموزشی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.

* دانشیار مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان
nematollah.azizi@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*** دانشیار مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

**** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
senobar_364@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: مدارس غیر انتفاعی، مشارکت دولتی- خصوصی، موانع توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی، موانع مشارکت بخش خصوصی در آموزش.

مقدمه

آموزش به لحاظ تاریخی وظیفه‌ی بخش خصوصی و مشخصاً والدین دانش‌آموزان بوده است. دولت‌ها کوتاه زمانی است که آموزش و پرورش را به عنوان وظیفه‌ی خویش تعریف و به واسطه‌ی مزایای اقتصادی- اجتماعی مترتب بر آموزش برای کل کشور، در ارائه‌ی آموزشی کیفی به فرزندان ملت اهتمام کرده‌اند. در چند دهه‌ی اخیر و مشخصاً از دهه‌ی ۱۹۷۰ به این طرف به واسطه‌ی چالش‌هایی که آموزش و پرورش در ارائه‌ی درست آموزش با آن‌ها روبه‌رو بوده است، شاهد ظهور دوباره‌ی حضور بخش خصوصی در عرصه‌ی آموزش بوده‌ایم. در حال حاضر اگر چه آموزش در بیش‌تر کشورها عمدتاً در دست دولت‌ها باقی مانده است، با این حال روند حرکت به سمت سپردن آموزش به دست بخش خصوصی به سرعت فزاینده است. این حرکت از چالش‌های پیش روی دولت‌ها و همچنین از این واقعیت الهام گرفته است که آموزش در برگیرنده‌ی منافع خصوصی است و بخش خصوصی به ویژه والدین باید هم در تأمین مالی و هم در تدارک آموزش نقشی فعال‌تر ایفا کند.

در ایران مشارکت دولت و بخش خصوصی در آموزش و پرورش پس از انقلاب به دلیل رشد جمعیت و تشدید نیاز به امکانات آموزشی برای افراد لازم‌التعلیم و عدم توان دولت در تأمین هزینه‌های مربوطه شکل گرفت. در این راستا مدارس غیر انتفاعی به عنوان بارزترین شکل مشارکت بخش خصوصی در آموزش و با هدف افزایش پوشش هر چه بیش‌تر دانش‌آموزان و توزیع بهتر امکانات و بودجه‌ی آزاد شده‌ی آموزش و پرورش در جهت کیفیت‌بخشی به آموزش دولتی تأسیس شدند.

در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش با تحت پوشش قرار دادن حدود ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر دانش‌آموز و یک میلیون و ۳۰ هزار نفر پرسنل در ۱۴۵ هزار آموزشگاه، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مجموعه‌ی دولتی را تشکیل می‌دهد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸)، که از این تعداد یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر دانش‌آموز در ۱۵۸۰۰ آموزشگاه غیر دولتی تحت پوشش آموزش غیر دولتی قرار دارند که حدود ۸/۵ درصد از جمعیت دانش‌آموزی

کشور را در بر می‌گیرد. این امر سهمی اندک در کاهش بار سنگین تأمین مالی آموزش و پرورش بر عهده دارد. از این رو چالش‌های آموزش و پرورش در زمینه‌ی تأمین مالی به قوت خود باقی است.

طبق وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۸) بودجه‌ی عمومی دولت با رشد متوسط سالانه ۱۹/۷ درصد طی چهار سال برنامه‌ی چهارم توسعه، به ۹۰۳۳۳۷ میلیارد ریال در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. بر این اساس اعتبارات آموزش و پرورش نیز با رشد متوسط سالانه ۸/۹ درصد، به ۸۹۸۱۹ میلیارد ریال در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. با این اوصاف سهم اعتبارات آموزش و پرورش عمومی از بودجه‌ی عمومی دولت در قانون بودجه سال ۱۳۸۷ با ۱۴/۲ رشد منفی به ۹/۹ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که در سراسر کشور تنها در زمینه‌ی زیرساخت‌های آموزشی حدود ۱۲۲ هزار کلاس درس غیر استاندارد و ۱۲۶ هزار کلاس درس بدون استحکام وجود دارد.

نتیجه این‌که با گذشت دو دهه از تلاش آموزش و پرورش برای توسعه‌ی مشارکت بخش خصوصی در آموزش کشور، مدارس غیر انتفاعی به عنوان شکل اصلی چنین مشارکتی در آموزش با اهداف قصد شده‌ی آغازین و با میانگین جهانی سهم بخش خصوصی در اداره‌ی آموزش (حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد) فاصله‌ی زیادی دارد. از طرف دیگر ارزشیابی جامعی در رابطه با مشارکت دولتی - خصوصی (مدارس غیر انتفاعی) در آموزش و پرورش ایران (جمهوری اسلامی) و این‌که چه عواملی باعث شده است که همکاری دولت و بخش خصوصی در آموزش نتواند در حد و اندازه‌ی استانداردها و میانگین‌های جهانی ظاهر شود، صورت نگرفته است. در همین راستا بررسی موانع گسترش مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش ایران در رابطه با مدارس غیر انتفاعی به عنوان مسأله‌ی پژوهش حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است.

پیشینه‌ی تحقیق

بسیاری از دولت‌ها برای پر کردن شکاف‌های موجود در فراهم نمودن دسترسی دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه به فرصت‌های آموزش کیفی که آن‌ها را برای روبه‌رو شدن با چالش‌های قرن بیست و یکم آماده نماید، به مشارکت‌های دولتی - خصوصی و سپردن

وظیفه‌ی کل یا بخشی از آموزش به «دستان خصوصی» متوسل شده‌اند. در این ارتباط حضور بخش خصوصی در کشورهای مختلف بسته به نوع رژیم سیاسی، ماهیت چالش‌های پیش رو، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور همواره با موانعی روبه‌رو بوده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موانع زیر اشاره کرد:

چالش‌های سیاسی: فقدان تعهد و پایبندی دولت به رعایت مفاد توافق شده در مشارکت و عدم ثبات تصمیمات و قوانین مربوط به مشارکت می‌تواند اعتماد بخش خصوصی و مردم به دولت را به عنوان شریکی ثابت‌قدم کاهش دهد. بنا به باور پاترینوس^۱ (۲۰۱۰) علاوه بر اعمال سلیق و علایق شخصی، حساسیت‌های سیاسی دولت‌های مختلف در برنامه‌ی مشارکت می‌تواند روند رو به رشد حضور بخش خصوصی را در دراز مدت کاهش دهد. به اعتقاد وی مشکل حل ناشدنی ضرورتاً فقدان تعهد سیاسی نیست، بلکه دامنه‌ی گسترده‌ای از اعمالی ضروری و ماهیت شدیداً سیاسی اصلاحاتی است که برای ایجاد سیستم‌های کارآمد ارائه‌ی خدمات در چهارچوب مشارکت با بخش خصوصی لازم می‌باشد. در واقع مشارکتی مؤثر بیش از هر چیز نیازمند فضای سیاسی مثبت (لاروک^۲، ۲۰۰۸) و هماهنگی سیاست ملی و محلی دولت (کمیسیون اروپا^۳، ۲۰۰۳) می‌باشد.

عدم درک ضرورت مشارکت و تعهد به آن: به بیان رومری^۴ (۲۰۰۲) ممکن است این تصور که کار مشارکتی همواره و به خودی خود دارای ارزش است سبب شود سازمان‌های درگیر در یک مشارکت بیش‌تر وقت خود را صرف مکانیسم‌های کار مشارکتی نمایند تا دستیابی به نتایج آن. لذا بیش‌تر گزارش‌های مربوط به مشارکت به فرایند کار مشترک و مشارکتی می‌پردازند تا به اثری که مشارکت داشته و یا به این موضوع که آیا اساساً مشارکت در اصل کاری ضروری بوده است یا خیر (هودسون و هاردی^۵، ۲۰۰۲، ص ۱۶؛ کامرون و لارت^۶، ۲۰۰۳، ص ۱۵؛ پاول و گلندینینگ^۷، ۲۰۰۲، ص ۷). جعفری (۱۳۸۸) نیز نشان داده

-
- 1- Patrinos
 - 2- Larocque
 - 3- European Commission
 - 4- Rummery
 - 5- Hudson & Hardy
 - 6- Cameron & Lart
 - 7- Powell & Glendinning

است که عدم درک ضرورت خصوصی سازی از جمله موانع جدی بر سر راه مشارکت بخش خصوصی در آموزش می باشد. از این رو زمانی که ضرورت کار مشارکتی از طرف دولت و بخش خصوصی درک شد لازم است که همه ی سازمان های درگیر در مشارکت، حمایت سازمانی و تعهد خود به نوآوری را برای تضمین تداوم همکاری در مشارکت نشان دهند (لاروک، ۲۰۰۸؛ داوونز^۱، ۲۰۰۶).

انتخاب استراتژیک شرکا: آماده کردن نوآوران هی شرکای خصوصی (لاروک، ۲۰۰۸) جذب و مذاکره با مناسب ترین شرکای آینده (دیویس و هنت شک^۲، ۲۰۰۶) و پیوندهای استراتژیک با سازمان های خارجی (داوونز، ۲۰۰۶) از رموز موفقیت مشارکت های دولتی- خصوصی است. ممکن است وضعیت به گونه ای باشد که در آن همکاری بین ذی نفعان بالقوه به دلیل وجود تفاوت های بنیادی ایدئولوژیک، نابرابری شدید قدرت، سابقه ی تاریخی در دشمنی و تعارض و تلاش های شکست خورده برای همکاری با یکدیگر، و هزینه های بالای با هم کارکردن مناسب نباشد (گری^۳، ۱۹۸۹، ص ۲۵۵). اساساً برخوردها و نزاع های میان افراد با زمینه های متفاوت فرهنگی و داشتن تصویری کلیشه ای از همکاران درگیر در یک مشارکت می تواند در کاهش اثر مشارکت مؤثر واقع شوند (ویلسون و چارلتون^۴، ۱۹۹۷، ص ۲۰؛ کامرون و لارت، ۲۰۰۳، ص ۱۳؛ پک، گالیور و تاول^۵، ۲۰۰۲، ص ۲۴).

برنامه ریزی و استراتژی مشارکت: صرف نظر از نتیجه ای که از یک مشارکت به دست می آید، مشارکت های دولتی- خصوصی باید هدفمند و دارای رسالتی مشخص باشند. از همین رو برنامه ریزی و پیش نگرایی برای تداوم و موفقیت مشارکت ها حیاتی است (داوونز، ۲۰۰۶؛ ویلسون و چارلتون، ۱۹۹۷؛ رز^۶، ۱۹۹۷). مشارکت ها باید دارای یک استراتژی کلی باشند و باید مشخص کنند که چگونه و با استفاده از چه مکانیسم هایی می خواهند به چالش های آموزش پاسخ دهند. برنامه ی مشارکت باید به اندازه ی کافی برای پاسخ به نیازهای متنوع

-
- 1- Downes
 - 2- Davies & Hentschke
 - 3- Gray
 - 4- Wilson & Charlton
 - 5- Peck, Gulliver, & Towell
 - 6- Rose

مشتریان (پاترینوس، ۲۰۱۰؛ لاروک، ۲۰۰۸) و در برابر نیازهای متغیر محیط اقتصادی و شرکا (داونز، ۲۰۰۶) انعطاف‌پذیر باشد.

منابع مالی: در حوزه‌ی آموزش فقدان دسترسی به منابع مالی و سرمایه برای ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی مناسب و عدم دسترسی به مکانیسم‌های نوآورانه‌ی تأمین مالی برای ارائه‌ی آموزشی کیفی از موانع عمده‌ی مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش به شمار می‌روند (جعفری، ۱۳۸۸؛ پاترینوس، ۲۰۱۰؛ داونز، ۲۰۰۶؛ سلینگر^۱، ۲۰۰۹؛ لاروک، ۲۰۰۸). به اعتقاد پاترینوس (۲۰۱۰) ماهیت توسعه نیافته و غیر قابل پیش‌بینی سیستم بانکداری، عوامل اقتصادی، فرهنگی و نگرشی حاکم بر جامعه، عدم تمایل وام دهندگان به تأمین سرمایه‌ی مورد نیاز بخش اجتماعی احتمالاً بزرگ‌ترین موانع بر سر حضور گسترده‌تر بخش خصوصی می‌باشند.

ابهام در نقش‌ها و مسئولیت‌های طرفین مشارکت: نیروها و کارکنان ممکن است در مورد حدود مسئولیت‌هایشان مطمئن نباشند یا نگران این باشند که نقش‌های حرفه‌ای دیگر را به عهده گرفته‌اند. از طرف دیگر مدیران نیز ممکن است تصور کنند که خودگردانی و اختیار خود را از دست داده‌اند که این امر می‌تواند باعث ابهام در نقش (فرد یا تیم) شود که خود ممکن است از موانع یک مشارکت اثربخش گردد (پک، گالیور و تاول، ۲۰۰۲، ص ۱۸؛ هودسون و هاردی، ۲۰۰۲، ص ۵۴).

عدم ارزشیابی و نظارت: شناسایی و تدوین شاخص‌های روشن به ویژه شاخص‌های خروجی مرتبط به مشارکت برای موفقیت این فرایند مهم است. آن نوع ارزشیابی که به شرکا امکان می‌دهد به طور مداوم به دنبال بهبود و اصلاح باشند بسیار ارزشمند خواهد بود (هاردی، هودسون و هادینگتون^۲، ۲۰۰۰، ص ۲۰؛ هودسون و هاردی، ۲۰۰۲، ص ۶۲). بر این اساس فقدان یک مکانیزم مناسب و کارآمد ارزشیابی و نظارت بر فرایندهای مورد نظر برای افراد و گروه‌های ذینفع از جمله موانع بازدارنده‌ی مشارکت در امر آموزش و پرورش است. به اعتقاد پاترینوس (۲۰۱۰) دولت‌های مرکزی و محلی توان لازم برای ارتقا، تنظیم و نظارت بر توسعه برابر بخش خصوصی آموزش را ندارند. فقدان چهار چوب قانونی- نظارتی منسجم و قابل

1- Selinger

2- Waddington

اجرا برای ارائه‌ی آموزش بخش خصوصی سبب رشد عرضه کنندگان غیر قانونی آموزش و پرورش می‌گردد. در واقع موفقیت مشارکت‌های دولتی خصوصی اغلب منوط به کارایی قوانین و مقررات (سلینگر، ۲۰۰۹) و میزان اختیار قانونی (کمیسیون اروپا، ۲۰۰۳) است.

فقدان نیروی کار ماهر: از دیدگاه بخش خصوصی یکی از عمده‌ترین محدودیت‌های گسترش آموزش خصوصی کمبود معلمان شایسته و ماهر است. از جمله عمده‌ترین مشکلات در این زمینه می‌توان به ۱- جذب و نگهداری معلمان، ۲- جابه‌جایی معلمان از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر اغلب بدون اخطار قبلی، ۳- بالاتر بودن حقوق معلمان در مقایسه با معلمان بخش دولتی (به اندازه ۱۰٪)، و ۴- عدم برخورداری بیشتر معلمان از صلاحیت‌های لازم برای تدریس در سطح متوسطه اشاره کرد (پاترینوس، ۲۰۱۰).

بوروکراسی اداری: فرایند اداری ثبت و تأسیس یک مدرسه‌ی خصوصی در بسیاری از کشورها کند و طاقت فرساست. نتیجه این که بسیاری از فراهم کنندگان آموزش گزینه‌ای دیگر جز فعالیت غیر مجاز و غیر ثبتی در پیش خود نمی‌بینند. رویه‌های گزینش و تأیید صلاحیت مؤسسان به ویژه در کشورهای دارای حکومت‌های ایدئولوژیک با اعمال سلیقه‌های فردی و حزبی همراه است و بانیان بالقوه‌ی مدرسه را از پی‌گیری این فرایند مأیوس می‌کند. این نقصان‌های بوروکراتیک مشارکت دولت و بخش خصوصی را در عمل ناثربخش می‌سازد. این در حالی است که توان سازمانی برای مدیریت برنامه (لاروک، ۲۰۰۸) و رعایت ملاحظات فنی و سازمانی (کمیسیون اروپا، ۲۰۰۳) برای موفقیت مشاقت‌ها ضروری می‌باشند.

نواقص طرف تقاضا: دلایل شکست مشارکت‌ها را گاهی نه در طرف ارائه دهنده‌ی برنامه‌ی مشارکت (طرف عرضه) بلکه در طرف استفاده کنندگان از برنامه و متقاضیان آموزش (طرف تقاضا) نهفته است. رشد ناکافی فرهنگ کارآفرینی (جعفری، ۱۳۸۸)، عدم وجود دیدگاه کارآفرینانه (لاروک، ۲۰۰۸)، مسائل اجتماعی (کمیسیون اروپا، ۲۰۰۳) و شرایط بد اقتصادی خانوار از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت در طرف تقاضا می‌باشند. بخش خصوصی فعال در حوزه‌ی آموزش نیازمند خانواده‌هایی است که تمایل و توان مالی لازم برای تأمین هزینه‌های آموزش خصوصی فرزندانشان را داشته باشند.

بررسی چالش‌های پیش روی مشارکت دولت و بخش خصوصی در کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که مشارکت‌های واقعی کم‌تر از آنچه که روی نقشه به نظر می‌رسند،

ایده‌آل‌اند. شکل‌گیری مشارکت‌های موفق زمان‌بر است و انتظارات زودهنگام از نتایج، فرهنگ‌های سازمانی ناسازگار، رقابت بین سازمان‌های همکار و یا رهبری غیر متعهد می‌تواند آن را تحلیل برد (بنیاد آقا خان، ۲۰۰۷). ایجاد مشارکتی با یک یا چند مورد از موانع بالا تنها نمایشی از مشارکت خواهد بود. نتیجتاً مشارکت موفق دولت و بخش خصوصی در حوزه‌ی آموزش نیازمند باور واقعی دولت به مشارکت مردم بر سرنوشت خود، سپردن کار مردم به دست مردم، اعتماد بالای مردم به حکومت و ایجاد بسترهای مؤثر منتهی به مشارکت همه‌جانبه‌ی مردم در آموزش فرزندان‌شان می‌باشد.

هدف و فرضیه‌های تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی از دیدگاه مدیران مدارس غیر انتفاعی و صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش در صدد آزمون فرضیات زیر می‌باشد:

- ۱- از نظر صاحب‌نظران عامل نگرشی بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۲- از نظر صاحب‌نظران عامل هدف بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۳- از نظر صاحب‌نظران عامل پیش‌نگری بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۴- از نظر صاحب‌نظران عامل خط مشی بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۵- از نظر صاحب‌نظران عامل سازماندهی بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۶- از نظر صاحب‌نظران عامل انگیزه بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.
- ۷- از نظر صاحب‌نظران عامل اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی بر توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی آموزش و پرورش ایران تأثیر داشته است.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر «زمینه یابی» بود.

جامعه و روش نمونه گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را مدیران مدارس ابتدایی، راهنمایی، متوسطه‌ی پسرانه‌ی غیر انتفاعی مناطق نوزده‌گانه‌ی آموزش و پرورش شهر تهران (مشمول بر ۱۱۸۰ نفر) و صاحب‌نظران حوزه‌ی اقتصاد آموزش و پرورش در دانشگاه‌های شهر تهران تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب شهر تهران این است که تهران بالاترین درصد دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی را به کل دانش‌آموزان در کشور داراست و نیز در بین مناطق آن تفاوت‌های چشمگیری از این لحاظ وجود دارد. در پژوهش حاضر با توجه به ناهمگونی موجود در جامعه‌ی آماری و نیز پراکندگی مدارس غیر انتفاعی در مناطق مختلف و ناهمگون به لحاظ اجتماعی-اقتصادی شهر از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد؛ به این ترتیب که ابتدا شهر تهران به لحاظ اقتصادی-اجتماعی به ۵ بخش جغرافیایی (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) تقسیم شد. سپس از هر بخش جغرافیایی یک منطقه به عنوان نماینده‌ی آن بخش به روش تصادفی ساده انتخاب و با توجه به نسبت مدیران هر بخش از تهران به کل تعداد مناسب مدیران از هر منطقه انتخاب شد. حجم نمونه‌ی مدیران با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۹ نفر مشخص شد. برای انتخاب ۱۰ نفر صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش عبارت بود از پرسشنامه‌ی محقق ساخته متشکل بر ۶۲ گویه از عواملی که در ادبیات پژوهش و نیز نظرات صاحب‌نظران به عنوان مانع حضور بخش خصوصی در آموزش مطرح شده بودند. جدول ۱ عوامل، مؤلفه‌ها و مؤلفه‌های فرعی ابزار اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. هر یک از گویه‌های پرسشنامه در دو بخش توسط پاسخگویان ارزیابی شدند. آن‌ها ابتدا مشخص کردند که یک گویه تا چه اندازه وجود داشته

است و در ثانی اگر وجود داشته تا چه اندازه مانع توسعه و گسترش مدارس غیر انتفاعی بوده است. کسانی که در ستون اول با گویه مخالف بوده‌اند ستون دوم را نیز جواب نداده‌اند.

جدول ۱. عوامل مؤثر در عدم توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی

عوامل	مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های فرعی	تعداد سوالات
طرف عرضه	برنامه‌ریزی	نگرش	۷
		هدف	۷
		پیش‌نگری	۷
		خط مشی	۳
	اجرا	سازماندهی	۹
ایجاد انگیزه (مشوق‌ها)		۸	
نظارت		۱۱	
طرف تقاضا	اقتصادی		۵
	فرهنگی - اجتماعی		۵

شیوه‌ی اجرا: پس از انتخاب هر مدیر (برابر با تعداد مدارس) پژوهشگر با حضور در مدرسه و ارائه‌ی توضیحی مختصر در خصوص هدف پژوهش و اهمیت آن، پرسشنامه را در اختیار مدیر مدرسه گذاشته و در صورت لزوم توضیحات تکمیلی نیز ارائه می‌گردید.

روایی و پایایی تحقیق

روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی گویه با استفاده از نظرات اساتید و صاحب‌نظران حوزه مورد مطالعه گردید. برای به دست آوردن پایایی این ابزار نیز از روش بازآزمایی استفاده شد و سپس برای آن ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شد، که ضریب $0/82$ به دست آمد که ضریب نسبتاً مناسبی است و نشان می‌دهد که پرسشنامه برای اجرا قابل اعتماد است.

روش تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر متناسب با ماهیت داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی زیر استفاده شده است:

- شاخص‌های آمار توصیفی (مانند فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و ...)

- آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی اعتبار نظرات مدیران مدارس در خصوص موانع توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی در ایران.

یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی از دیدگاه مدیران مدارس غیر انتفاعی و صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش در ایران کدامند؟ از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. به این صورت که نمره‌ی حد وسط طیف چهار گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم ۴، موافقم ۳، مخالفم ۲، و کاملاً مخالفم ۱) برابر با ۲ به عنوان نمره‌ی معیار در نظر گرفته شده است سپس تفاوت نمرات آزمودنی‌ها با نمره‌ی معیار به لحاظ آماری اندازه‌گیری شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک‌نمونه برای مقایسه‌ی میانگین نمرات صاحب‌نظران در مورد موانع توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی مورد پژوهش با میانگین فرضی

مؤلفه‌ها	وضعیت مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش	وجود داشته است	۲۸۴	۳/۰۱۵۳	۲۲/۳۸۷	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۹۵	۲/۸۳۶۶	۱۳/۸۷۳	۱۹۳	۰/۰۰۰
هدف	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۷۲۹۵	۱۰/۱۴۳	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۶۲	۲/۶۷۵۸	۴/۵۸۳	۱۶۱	۰/۰۰۰
پیشن‌نگری	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۸۶۶۲	۱۷/۲۳۰	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۹۰	۲/۷۰۲۱	۶/۹۴۷	۱۸۹	۰/۰۰۰
خط مشی	وجود داشته است	۲۸۴	۳/۰۱۰۶	۱۴/۶۹۹	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۲۱۶	۲/۵۷۹۳	۱/۹۳۱	۲۱۵	۰/۰۵۵
سازماندهی	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۶۷۰۲	۶/۱۹۳	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۵۵	۲/۵۶۶۶	۲/۳۹۴	۱۵۴	۰/۰۱۷
انگیزه	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۹۸۲۸	۱۹/۹۷۴	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۲۱۹	۲/۶۶۷۹	۷/۰۸۴	۲۱۸	۰/۰۰۰
نظارت	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۷۱۸۰	۸/۷۴۲	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۸۴	۲/۷۱۸۰	۳/۴۷۱	۱۸۳	۰/۰۴۹
اقتصادی	وجود داشته است	۲۸۴	۳/۰۲۳۲	۲۰/۸۵۲	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۲۰۳	۲/۸۵۱۱	۱۰/۱۳۵	۲۰۲	۰/۰۰۰
اجتماعی- فرهنگی	وجود داشته است	۲۸۴	۲/۸۹۵۸	۱۵/۲۱۹	۲۸۳	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۱۸۵	۲/۷۰۱۰	۵/۹۳۹	۱۸۴	۰/۰۰۰

چنانچه در جدول ۲ نشان داده شده است مدیران مدارس غیر انتفاعی شهر تهران با وجود مؤلفه‌های نگرش، هدف، پیش‌نگری، سازماندهی، انگیزه، نظارت و شرایط اقتصادی و اجتماعی و نقش آن‌ها در عدم توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی با ۹۵ درصد اطمینان موافقت. آن‌ها وجود مؤلفه‌ی خط مشی را می‌پذیرند اما خط مشی انتخاب شده برای مشارکت بخش خصوصی (یعنی مکانیسم مدارس غیر انتفاعی) را مانعی بر سر راه توسعه‌ی کمی این مدارس و در نتیجه افزایش مشارکت نمی‌دانند.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک نمونه برای مقایسه‌ی میانگین نمرات صاحب‌نظران در مورد موانع توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی مورد پژوهش با میانگین فرضی

مؤلفه‌ها	وضعیت مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش	وجود داشته است	۱۰	۲/۸۵۷۱	۵/۰۵۶	۹	۰/۰۰۱
	مانع بوده است	۸	۳/۲۸۴۳	۲/۶۳۹	۷	۰/۰۲۷
هدف	وجود داشته است	۱۰	۲/۹۱۶۷	۵/۰۰۰	۹	۰/۰۰۱
	مانع بوده است	۷	۲/۹۹۵۰	۳/۰۷۶	۶	۰/۰۱۳
پیش‌نگری	وجود داشته است	۱۰	۳/۱۴۷۶	۴/۱۷۵	۹	۰/۰۰۲
	مانع بوده است	۷	۲/۹۶۲۱	۴/۰۳۹	۶	۰/۰۰۳
خط مشی	وجود داشته است	۱۰	۳/۰۳۳۳	۵/۷۷۹	۹	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۶	۲/۶۵۰۰	۰/۷۷۰	۶	۰/۴۶۱
سازماندهی	وجود داشته است	۱۰	۲/۹۶۶۷	۴/۳۴۵	۹	۰/۰۰۲
	مانع بوده است	۷	۲/۷۳۷۱	۱/۷۱۰	۶	۰/۱۲۱
انگیزه	وجود داشته است	۱۰	۳/۰۸۷۵	۴/۴۵۷	۹	۰/۰۰۲
	مانع بوده است	۷	۲/۷۳۸۹	۲/۲۶۹	۷۶	۰/۰۴۹
نظارت	وجود داشته است	۱۰	۲/۸۳۰۰	۱/۶۱۰	۹	۰/۱۴۲
	مانع بوده است	۶	۲/۶۷۴۲	۰/۸۸۸	۵	۰/۳۹۸
اقتصادی	وجود داشته است	۱۰	۳/۱۲۵۰	۶/۸۶۴	۹	۰/۰۰۰
	مانع بوده است	۹	۲/۶۹۴۴	۰/۸۰۸	۹	۰/۴۴۲
اجتماعی- فرهنگی	وجود داشته است	۱۰	۳/۱۶۶۷	۵/۰۵۳	۹	۰/۰۰۱
	مانع بوده است	۷	۲/۸۰۸۳	۱/۷۹۵	۶	۰/۱۰۶

جدول ۳ نشان می‌دهد که صاحب‌نظران حوزه‌ی اقتصاد آموزش و پرورش با وجود عوامل

نگرش، هدف، پیش‌نگری و انگیزش و نقش آن‌ها به عنوان مانعی بر سر راه توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی با ۹۵ درصد اطمینان موافقت. آن‌ها اگر چه می‌پذیرند که عامل‌های خط مشی، سازماندهی، شرایط اقتصادی، و وضعیت اجتماعی- فرهنگی وجود دارند اما با ۹۵ درصد اطمینان (به ترتیب با ضرایب معنی‌داری ۰/۴۶۱، ۰/۱۲۱، ۰/۴۴۲ و ۰/۱۰۶ معتقدند که مانعی بر سر راه گسترش مدارس غیرانتفاعی نبوده‌اند. همچنین آن‌ها با وجود مؤلفه‌ی نظارت (با ضریب معنی‌داری ۰/۱۴۲) و نقش آن در عدم گسترش مدارس غیر انتفاعی (با ضریب معنی‌داری ۰/۳۹۸) موافق نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

از نظر صاحب‌نظران حوزه‌ی برنامه‌ریزی آموزشی افزایش تمرکز زدایی و خصوصی‌سازی به منزله‌ی یک راهبرد کارآمد برای تضمین کیفیت و انعطاف‌پذیری نظام‌های آموزشی در یک اقتصاد جهانی شده محسوب می‌گردد (مهرعلی زاده، سپاسی و آتشفشان، ۲۰۰۶). در هر جامعه‌ای اجرای موفقیت‌آمیز هر یک از اشکال مشارکت دولتی- خصوصی نیازمند وجود پیش شرط‌هایی است که فقدان آن‌ها ممکن است به اجرای شکل محدودتری از مشارکت دولتی- خصوصی یا صرفاً نمایشی از مشارکت منجر شود که نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. در جوامعی که حضور مردم و بخش خصوصی در حوزه‌ی مسائل اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در طول سالیان بسیار شکل گرفته و تجربه شده است حضور بخش خصوصی در حوزه‌ی خدمات عمومی به گونه‌ی آسان‌تری پذیرفته می‌شود و بنیان‌های قانونی و ساختاری برای مشارکت مردم خدمات عمومی از قبل تا حدود زیادی فراهم است. در جوامعی که بخش خصوصی تجربه‌ی مشارکت با دولت در ارائه‌ی خدمات عمومی را ندارد مسیر حضور بخش خصوصی بایستی از طریق انجام اصلاحات قانونی و نظارتی، اطمینان از انجام سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد نهادهای جدید مهیا شود.

از این‌رو قبل از پیاده‌سازی مشارکت‌های دولتی- خصوصی باید تعیین نمود که آیا فضای سیاسی برای اجرای مشارکت دولتی- خصوصی و عناصر مختلف لازم برای مشارکت مطلوب است؟ آیا بسترهای قانونی حمایت‌گرا از مشارکت میان بخش‌های دولتی و خصوصی فراهم شده‌اند؟ آیا تعهد قوی سیاسی به رویکرد مشارکت دولتی- خصوصی وجود دارد؟ آیا یک

مشارکت دولتی - خصوصی از طرف مردم پذیرفته خواهد شد؟

در پژوهش حاضر نگرش دولت به بخش خصوصی و حضور آن در آموزش و پرورش را به آزمون گذاشت. نتایج حاکی از این است که نگرش منفی و بی اعتمادی دولت به حضور فعال بخش خصوصی در حوزه‌ی آموزش مانع توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی بوده است. باور مثبت دولت به بخش خصوصی در ادبیات حوزه‌ی مشارکت (پاترینوس، ۲۰۱۰؛ لاروک، ۲۰۰۸؛ کمپسیون اروپا، ۲۰۰۳) مورد تأیید قرار گرفته است و برای داشتن مشارکتی موفق نگرش مثبت سیاسی و اعتماد متقابل الزامی دانسته شده است.

در این پژوهش تک‌بعدی بودن هدف مشارکت دولتی - خصوصی به عنوان مانعی در برابر توسعه این شکل از مدارس دیده شده است. آموزش و پرورش ایران در مواجهه با تقاضای روزافزون شهروندان برای آموزش کیفی و کافی با کمبودهای شدید در زمینه‌ی تأمین مالی روبه‌رو است که خود به چالش‌هایی اساسی مانند عدم پوشش تحصیلی صد درصدی، زیرساخت‌های ناکافی و غیر استاندارد، کیفیت پایین عناصر آموزشی منجر شده است. مشارکت دولتی - خصوصی در ایران به شکل مدارس غیر انتفاعی در واقع با هدف پاسخ به این چالش‌ها به ویژه کاستن از بار مالی آموزش و پرورش تأسیس شدند. تجربه‌ی مشارکت بخش خصوصی در کشورهای مختلف حاکی از این است که عمده‌ی این مشارکت‌ها از عنصر توجه به گروه‌های حاشیه‌ای و خاص مانند خانواده‌های فقیر و کم درآمد (جعفری، ۱۳۸۸) و روستایی (لاروک، ۲۰۰۸) برخوردارند. با وجود این که مدارس خصوصی اغلب به عنوان مدرسی مختص به ثروتمندان تلقی می‌شوند و در بیش‌تر کشورهای دنیا به مشارکت طلبیدن بخش خصوصی اهدافی فراتر از کمک به دولت در تأمین هزینه‌های آموزش را دنبال می‌کند. اما واقعیت این است که کشورهایی چون پاکستان، هند، اندونزی و چند کشور آفریقایی نوعی از مدارس خصوصی تجربه کرده‌اند که شهریه‌ای نسبتاً کم اخذ می‌کنند و دانش‌آموزان خانواده‌های کم درآمد را بهره‌مند می‌کنند (لاروک، ۲۰۰۸).

در این پژوهش هرچند شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی مدیران به عنوان یک مانع تأیید گردید، اما صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش از این موارد چنین تلقی نداشته‌اند. به هر حال هر دو گروه تأیید می‌کنند که در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد که ممکن است مسیر دیگر اشکال مشارکت را ناهموار سازد. ماهیت مکانیسم مدارس غیر انتفاعی

به گونه‌ای است که اقشار اقتصادی- اجتماعی پایین‌دست جامعه و روستایی توان مالی برای استفاده از آن را ندارند. از آنجایی که تأمین مالی مدارس غیر انتفاعی وابسته به توان اقتصادی مردم است و دولت از پیشنهاد مدارس غیر انتفاعی برای پرداخت سرانه‌ی هر دانش‌آموزی که در مدارس غیر انتفاعی ثبت‌نام می‌کند سر باز زده است، اقشار پایین‌دست جامعه، که بیش‌تر در حاشیه‌ی شهرها و روستاها زندگی می‌کنند، عملاً از چنین بستری بهره‌ای ندارند. در واقع این مکانیسم نتوانسته است انگیزه‌ی لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در مناطق محروم حاشیه شهری و به ویژه روستایی فراهم آورد. این در حالی است که چالش‌های آموزش و پرورش (از جمله نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی، عدم پوشش تحصیلی کامل) در این مناطق همچنان به قوت خود باقی است. بررسی پراکندگی مدارس غیر انتفاعی در مناطق شهری و روستایی کشور نشان می‌دهد ۹۹/۳ درصد از دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی در مناطق شهری و تنها ۰/۷ درصد از آن‌ها در روستاها قرار دارند. به علاوه ۶۷ درصد مدارس غیر انتفاعی در ۹ استان مرفه کشور^۱ واقع شده‌اند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸). طوری که فقط در شهر تهران حدود ۲۱۸۳ مدرسه (کودکستان تا پیش‌دانشگاهی) غیر انتفاعی وجود دارد. پراکندگی این مدارس رابطه‌ای قوی با وضعیت اقتصادی- اجتماعی شهر تهران دارد به طوری که از این تعداد مدرسه ۱۵۸۸ مدرسه در مناطق ۱ تا ۶ واقع شده‌اند و بقیه در ۱۳ منطقه‌ی دیگر تأسیس شده‌اند.

در طرف عرضه پیش‌نگری و ایجاد انگیزه و سازماندهی برای تسهیل حضور بخش خصوصی در یک مشارکت از اهمیت اساسی برخوردار است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که از دیدگاه مدیران پیش‌نگری‌های لازم در مکانیسم مدارس غیر انتفاعی به عمل نیامده است و بخش خصوصی انگیزه‌ی لازم برای حضور پرتوان خود در عرصه‌ی آموزش را نداشته است و اقدامات سازمانی لازم را انجام نداده است و همین خود مانع توسعه‌ی این مدارس شده است. اگر چه صاحب‌نظران حوزه‌ی اقتصاد معتقدند در زمینه‌ی سازماندهی قصوری متوجه دولت نیست. در واقع اگرچه سازماندهی توسعه‌ی این مدارس قوی نبوده است اما این امر مانع توسعه‌ی مدارس مذکور نشده است. به هر حال خواه پایان یک مشارکت موفقیت

۱- آذربایجان شرقی، اصفهان، خوزستان، فارس، تهران، مازندران، گیلان و کرمان

باشد یا شکست، باید مشارکت از پیش برنامه‌ریزی شود و اهدافی را که مشارکت قرار است به آن دست یابد، مشخص گردد (ویلسون و چارلتون، ۱۹۹۷، ص ۶؛ رز، ۱۹۹۷، ص ۶۱). از این رو ضعف توان در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و همچنین در سطح سیاسی به‌ویژه فقدان توانایی در ایجاد و پیاده‌سازی مشارکت به شیوه‌ای تاریخی یک محدودیت است. این در حالی است که برای افزایش موفقیت برنامه‌ی مشارکت، وجود یک استراتژی کلی (پاترینوس، ۲۰۱۰)، توان پاسخگویی به نیازهای گوناگون (لاروک، ۲۰۰۸) و انعطاف‌پذیری نسبت به نیازهای متغیر محیط اقتصادی و شرکا (داونز، ۲۰۰۶) ضروری هستند.

برآورد نادرست از کار موضوع مشارکت یا عدم تمایل به تأمین هزینه‌های اداری و هزینه‌های ارائه‌ی خدمات مستقیم (کامرون و لارت، ۲۰۰۳، ص ۱۳) و فقدان دسترسی به زمین و ساختمان (پاترینوس، ۲۰۱۰) می‌تواند حضور بخش خصوصی را کم‌رنگ کند و انگیزه‌ی لازم برای ورود به یک بازار آموزشی را فراهم نکند. نتیجه‌ی چنین کمبود و نقصانی این خواهد بود که اکثر مدارس غیر انتفاعی در ساختمان‌های استیجاری غیر استاندارد مشغول فعالیت هستند که فاقد کاربری آموزشی هستند.

از آن‌جا که در مؤلفه‌ی خط مشی به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که آیا مکانیسم مدارس غیر انتفاعی به گونه‌ای هست که مشارکت مردم و بخش خصوصی را به خود جلب کند، از نظر هر دو گروه از پاسخ دهندگان خط مشی در مدارس غیر انتفاعی به عنون مانعی بر سر راه مشارکت تلقی نشد.

وجود محیطی قانونی که پشتیبان مشارکت و حضور بخش خصوصی در خدمات عمومی باشد بسیار ضروری است. محیط‌های توانا ساز قانونی، سیاستی و نظارتی برای استمرار مشارکت دولتی و خصوصی در امور حیاتی هستند. از این رو ابهام و عدم شفافیت در محیط قانونی و نظارتی موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران و مشارکت‌کنندگان مردد و یا سر در گم شوند. به علاوه لازم است میان میزان خدمات تقاضا شده و هزینه‌های این خدمات توازن و تعادل برقرار باشد و زمینه‌ی انگیزشی لازم را برای بهبود کارایی در سیستم ایجاد کنند. یک مشارکت موفقیت‌آمیز باید دقیقاً متناسب با بافت و محیط تواناسازی طراحی شود که در آن مشارکت به اجرا در می‌آید. جایی که محیط و فضای کار طوری اصلاح می‌شود که به تحقق اهداف مشارکت منجر شود، مشارکت از بیش‌ترین توفیق برخوردار خواهد بود. نتایج این

پژوهش نشان داد که هرچند از نظر صاحب‌نظران اقتصاد آموزش در خصوص اعمال نقش نظارتی بر مدارس غیر انتفاعی و همچنین در توسعه‌ی آن‌ها قصوری متوجه وزارت آموزش و پرورش نمی‌شود اما از نظر مدیران نقش نظارتی وزارت متبوع بر مدارس غیر انتفاعی به خوبی انجام نگرفته است.

این پژوهش همچنین نشان داد که برای بهره‌گرفتن هر چه بیش‌تر از توان بخش خصوصی در آموزش و پرورش دولت بایستی محدوددهی اعتماد خود به بخش خصوصی را گسترش دهد، به سمت کوچک شدن حرکت کند، به مشارکت بخش خصوصی نگاهی چند بعدی داشته باشد، به بخش خصوصی انگیزه‌ی مشارکت در فراهم‌سازی آموزش را بدهد و مسیر را برای آن هموار کند، از نظارت‌های خشک و تنگ‌نظرانه بپرهیزد و سعی کند در جست‌وجوی اهداف مشترک در مشارکت با بخش خصوصی باشد.

محدودیت‌های تحقیق

- فرایند گردآوری داده‌ها به ویژه در مرحله‌ی اخذ مجوزها بسیار وقت‌گیر بود. تعداد اندکی از مدیران مدارس غیر انتفاعی (اگر چه با روی گشاده پژوهشگر را پذیرفتند) پرسشنامه‌ها را با عجله و در حد رفع تکلیف جواب دادند.
- محدوددهی جغرافیای این پژوهش برای تعیین موانع توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی شهر تهران و مشخصاً مدیران مدارس غیر انتفاعی پسرانه بود که نمی‌تواند نماینده‌ی تمامی مدیران مدارس غیر انتفاعی کشور باشند و به همین دلیل ممکن است در تشخیص موانع توسعه‌ی کمی مدارس غیر انتفاعی تأثیر گذاشته باشد.

پیشنهاد‌های تحقیق

- ۱- دولت نگاه ایدئولوژیک خود را به آموزش و پرورش بکاهد، به بخش خصوصی اعتماد کند و اراده‌ی لازم برای سپردن بخشی از مسئولیت‌های تأمین مالی و مدیریت را برای بهبود کارایی و اثربخشی نظام آموزشی از خود نشان دهد.
- ۲- دولت تنوع در برنامه‌ی درسی مدارس و حق والدین برای انتخاب آموزش فرزندانشان را به رسمیت بشناسد. بخشی از پتانسیل این کار در قانون اساسی از جمله اصل پانزدهم آمده

است. دولت می‌تواند با استفاده از اجرای مکانیسم‌های طرف تقاضا (مکانیسم‌های کوپنی و شبه کوپنی) و همچنین تسهیل تأسیس مدرسه از سوی خانواده‌ها و سازمان‌های مذهبی، بازرگانی و خیریه با تصویب قوانین تسهیل‌کننده، باعث ایجاد تنوع در برنامه‌ی درسی شود. این کار به مدارس خصوصی امکان خواهد داد تا برای خودشان مزیت نسبی تعریف نمایند.

۳- دولت فضای اطمینان قانونی لازم برای حضور بخش خصوصی در زمینه‌ی فراهم سازی، تأمین مالی آموزش و سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی زیر ساخت‌های آموزشی به وجود آورد.

۴- دولت بر پایه‌ی ارزشیابی‌های مستمر از مدارس و نظارت بر حسن اجرا و رعایت استانداردها، بانکی جامع از اطلاعات مربوط به کیفیت آموزش در هر مدرسه فراهم آورد تا خانواده‌ها بتوانند از آزادی انتخابی که دولت برایشان قائل شده است به نحو مطلوب استفاده نمایند.

۵- دولت برنامه‌ای مدون برای حرکت به سمت عدم تمرکز با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب و نگرانی‌هایی که خود دارد و با توجه به مزایای مترتب بر آن تدوین نماید.

۶- دولت می‌تواند از طریق به‌کارگیری مکانیسم‌هایی چون کوپن‌های هدفمند و یا فراهم سازی امکان کوپن‌های خصوصی از سوی بنیادهای خیریه و غیره و نیز تشویق بخش خصوصی به فراهم سازی آموزش برای گروه‌های حاشیه‌ای مانند دختران روستایی یا دانش‌آموزان عشایر و یا در جاهایی که دولت توان لازم برای تدارک آموزش را ندارد، شکاف‌های موجود در دسترسی به آموزش در میان مناطق مختلف کشور را جبران نماید و از این طریق به افزایش برابری آموزشی کمک نماید.

۷- برای توسعه‌ی مدارس غیر انتفاعی در شکل کنونی پیشنهاد می‌شود دولت به اصل سی‌ام قانون اساسی مبنی بر فراهم سازی آموزش رایگان پایبند باشد و برای هر دانش‌آموز فارغ از این‌که در مدرسه‌ی دولتی یا خصوصی ثبت نام می‌کند معادل هزینه تحصیل یک سال را در نظر بگیرد.

منابع

جعفری، پیروش (۱۳۸۸). ارائه‌ی مدلی برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش ایران. قابل دسترس در سایت سازمان خصوصی‌سازی کشور.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۸). آمار آموزش و پرورش - سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. دفتر آمار برنامه‌ریزی و بودجه.

- Aga Khan Foundation Team (2007). Non-State Providers and Public-Private-Community Partnerships in Education. Prepared for Global Monitoring Report 2008. Education for all by 2015: will we make it? Available at www.worldbank.org
- Cameron, A. & Lart, R. (2003). Factors promoting and obstacle hindering joint working: a systematic review of the research evidence. *Journal of Integrated Care*, 11, 9-17.
- Davies, B., & Hentschke, G. (2006). Public/Private Partnerships in Education: insights from the field. *School Leadership and Management*, 26 (3), 205-226.
- Downes, A. S. (2006). Best Practices of Public-Private Partnerships on Education And Skills Training In The Caribbean, Available At:
- European Commission (2003). Guidelines for Successful Public-Private Partnerships. Brussels, February 2003. Available At: www.ec.europa.eu/regional_policy/sources/docgener/guides/ppp_en.pdf
- Gray, B. (1989). Collaborating: Finding Common Ground for Multiparty problems. San Francisco: Josey Bass.
- Hardy, B., Hudson, B., & Waddington, E. (2000). What Makes a Good Partnership?: a Partnership Assessment Tool. Leeds: Nuffield Institute for Health.
- Hudson, B., & Hardy, B. (2002). What is a successful partnership and how can it be measured? In: Glendinning, C., Powell, M. & Rummery, K. (eds). Partnerships, New Labour and the Governance of Welfare. Bristol: Policy Press, : 51-65.
- Larocque, N. (2008). Public-Private Partnership In Basic Education: An International Review, Cfbt Education Trust. Available At [Www.Cfbt.Com](http://www.Cfbt.Com)
- Mehralizadeh, Y., Sepace, H. & Atashfasha, F. (2006). Globalization and Decentralization of Management: A Study of the Feasibility of Application of School-Based Management in Iran's Secondary Schools. *The Alberta Journal of Educational Research*, 52 (1): 84-98.
- Patrinos, H. (2010). Handbook on Public Private Partnership. retrieved from: <http://www.ifc.org/ifcext/edinvest.nsf/Content/PublicPrivatePartnershis>.
- Peck, E., Gulliver, P., & Towell, D. (2002). Modernizing Partnerships: An Evaluation of Somerset's Innovations in the Commissioning and Organisation of Mental Health Services. London: Institute for Applied Health Social Policy.

- Powell, M., & Glendinning, C. (2002). Introduction. In: Glendinning, C., Powell, M. & Rummery, K. (eds). Partnerships, New Labour and the Governance of Welfare. Bristol: Policy Press.
- Rose, M. (1997). Building Effective Partnerships: Practical Guidance for Public Services on Working in Partnership. London: CIPFA (Chartered Institute of Public Finance and Accountancy).
- Rummery, K. (2002). Towards a theory of welfare partnerships. In: Glendinning, C., Powell, M. & Rummery, K. (eds). Partnerships, New Labour and the Governance of Welfare. Bristol: Policy Press.
- Selinger, M. (2009). The Jordan Education Initiative .Cisco Systems. Available At: www.Werforum.Org/Pdf/JEI/Jeireport.Pdf.
- Wilson, A., & Charlton, K. (1997). Making Partnerships Work: a Practical Guide for the Public, Private, Voluntary and Community Sectors. York: Joseph Rowntree Foundation, York Publishing Services.

